

موانع عبرت پذیری از دیدگاه امام علی(ع)

معصومه شجاعی^۱

چکیده

از مهم‌ترین روش‌های تربیت اسلامی که در قرآن، سنت، و سیره امامان معصوم علیهم السلام از جمله امیرالمومنین علی(ع) به آن توجه و تاکید شده «عبرت آموزی» است. پژوهش حاضر با هدف تحلیل نظام‌مند موانع عبرت‌پذیری از دیدگاه امام علی(ع) در نهج البلاغه و سایر منابع روایی، با بهره‌گیری از روش‌شناسی تحلیلی-تطبیقی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد موانع عبرت‌پذیری در پنج دسته عمده شامل موانع شناختی (مانند تحجر و غفلت)، عاطفی (مانند هواپرستی و تعصب)، رفتاری (مانند تقلید کورکورانه و عادات ناپسند)، اجتماعی (مانند همنشینی با ناهلان) و فردی (مانند غرور و خودبزرگ‌بینی) قابل دسته‌بندی است. این پژوهش ضمن تبیین دقیق این موانع، راهکارهای عملی برآمده از آموزه‌های علوی را برای ارتقای فرهنگ عبرت‌پذیری در سطوح فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. نتایج این تحقیق برای محققان، سیاست‌گذاران فرهنگی و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کاربردی خواهد بود.

کلمات کلیدی: امام علی(ع)، عبرت، موانع عبرت، نهج البلاغه.

^۱ سطح دو، مدرسه علمیه فاطمه الزهرا(س) شهرستان ساوه

مقدمه

«عبرت» از مفاهیمی است که در آیات قرآن کریم و روایات، بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. در واقع هدف خداوند از ذکر بسیاری از آیات، عبرت انسانی‌هاست که با درک ظاهری موضوع، تامل و اندیشه در آن و سنجش و مقایسه آغاز می‌شود و در نهایت نیز به نتیجه‌ای معقول و منطقی و عبرت و اعتبار ختم می‌شود. عبرت‌پذیری، به عنوان فرایندی شناختی-عاطفی که در آن فرد یا جامعه از تجربیات گذشته خود یا دیگران درس می‌گیرد و در جهت بهبود رفتارها و تصمیم‌گیری‌های آتی از آن بهره می‌برد، نقشی محوری در تعالی و پیشرفت ایفا می‌کند. این مفهوم، که در آموزه‌های دینی و اخلاقی جایگاهی ویژه دارد، در عمل با چالش‌ها و موانع متعددی روبرو است. در دنیای پیچیده و متغیر امروز، که با سرعت سرسام‌آوری در حال دگرگونی است، ناتوانی در عبرت‌گیری می‌تواند منجر به تکرار اشتباهات گذشته، اتلاف منابع و فرصت‌ها، و بروز بحران‌های فردی و اجتماعی شود. از این رو، شناسایی و تحلیل موانع عبرت‌پذیری، به ویژه از منظر اندیشمندان و مصلحان بزرگ تاریخ، از اهمیت بسزایی برخوردار است..

هدف اصلی این پژوهش، استخراج و تحلیل نظام‌مند موانع عبرت‌پذیری از دیدگاه امام علی (ع)، به عنوان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های تاریخ اسلام و نمونه‌ای کامل از حکمت، عدالت و بصیرت، در گنجینه ارزشمند نهج البلاغه و سایر منابع روایی معتبر است. این تحلیل با استفاده از روش‌های تحقیق کیفی، از جمله تحلیل محتوای تفسیری و تحلیل تطبیقی، صورت می‌گیرد و هدف آن، ارائه چارچوبی جامع و دقیق برای فهم این موانع و ارائه راهکارهای عملی و مؤثر برای غلبه بر آنها است. چارچوبی که بر مبنای اصول اخلاقی، معرفتی و روان‌شناختی اسلامی استوار باشد.

ضرورت انجام این پژوهش از چند جنبه قابل توجیه است. اولاً، با وجود تحقیقات گسترده در زمینه اخلاق، تربیت و سیاست در اندیشه اسلامی، بررسی تفصیلی موانع عبرت‌پذیری از منظر امام علی (ع) کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با پر کردن این خلاء، به غنای ادبیات موجود در این حوزه اضافه کند و دیدگاه‌های جدیدی را در اختیار محققان و علاقه‌مندان قرار دهد. ثانیاً، آموزه‌های امام علی (ع) در خصوص عبرت‌پذیری، سرشار از نکات ارزشمند و کاربردی است که می‌تواند در بهبود عملکرد فردی و سازمانی، ارتقای سطح آگاهی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، و پیشگیری از وقوع بحران‌ها و اشتباهات، مورد استفاده قرار گیرد. ثالثاً، یافته‌های این پژوهش می‌تواند

در تدوین سیاست‌های فرهنگی و برنامه‌های آموزشی مبتنی بر آموزه‌های علوی، به منظور ترویج فرهنگ عبرت‌پذیری و تقویت توانایی افراد و جوامع در استفاده از تجربیات گذشته، به کار گرفته شود.

با وجود پژوهش‌های متعدد در حوزه اخلاق و تربیت اسلامی، بررسی جامع موانع عبرت‌پذیری از منظر امام علی (ع) به صورت مستقل و با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال، مقاله‌ای با عنوان «موانع عبرت‌آموزی از دیدگاه امام علی (ع) با تاکید بر خطبه‌ها و حکمت‌های نهج البلاغه» نوشته چمن نژاد و صالحی خشنودی، به بررسی حکم عبرت‌پذیری از طریق اسناد مذهبی و روایات امام علی (ع) پرداخته، اما به صورت تخصصی به موانع آن نپرداخته است. همچنین، پژوهش دیگری با عنوان «عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه» نوشته محمدرضا قائمی مقدم، به نقش تأمل و تفکر در فرآیند عبرت‌آموزی اشاره دارد، اما به صورت عملی به طرح آن نپرداخته است. پژوهشی دیگر با عنوان «عبرت‌آموزی و نقش آن در اخلاق و تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی (ع)» اثر اکرم احمدیان احمدآبادی و محمد اخوان، به بررسی عبرت و اهمیت عبرت‌پذیری به صورت کلی پرداخته، اما به صورت متمرکز به موانع عبرت‌پذیری نپرداخته است. لذا، هیچ یک از این پژوهش‌ها به صورت متمرکز به بررسی موانع عبرت‌پذیری از دیدگاه امام علی (ع) نپرداخته‌اند. این پژوهش تلاش می‌کند تا با استفاده از منابع اصیل اسلامی و روش‌های تحقیق علمی، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که از منظر امام علی (ع)، چه موانعی، مانع از عبرت‌گیری مؤثر از تجربیات می‌شود و چگونه می‌توان بر این موانع غلبه کرد؟

۱. مبانی نظری، تعریف مفاهیم و اصطلاحات

به منظور فراهم آوردن چارچوبی نظری منسجم و بستر مفهومی روشن برای تحلیل «موانع عبرت-پذیری از دیدگاه امام علی (ع)»، در این بخش به تبیین مبانی نظری، مفاهیم کلیدی و اصطلاحات مرتبط با موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. هدف از این اقدام، ایجاد یک درک مشترک و نظام‌مند از مفاهیم بنیادین مورد استفاده در این پژوهش است. مطالعه این بخش، به مخاطب امکان می‌دهد تا با درکی عمیق‌تر و آمادگی بیشتر به مطالعه پژوهش بپردازد و در ارزیابی اعتبار و روایی نتایج تحقیق، نقشی فعال ایفا کند.

۱-۱ مفهوم عبرت

عبرت از ریشه «عبر» گرفته شده که به گفته لغت‌شناسان، اصل آن بر نفوذ و گذشتن از چیزی دلالت دارد.^۱ برای عبرت و اعتبار، که اولی اسم و دومی مصدر است، معانی متعددی چون تدبّر و نظر، تعجب؛^۲ موعظه و تذکر؛^۳ اهمیت دادن و اعتبار قائل شدن برای چیزی؛^۴ تفسیرکردن، عبور کردن؛^۵ اشک باریدن^۶ ذکر شده است. خلیل بن احمد، عبرت گرفتن را «پندگرفتن از گذشته» دانسته است.^۷ احمد بن فارس در این زمینه گفته است: «اعتبار و عبرت به نظر ما، به دو ساحل قیاس می‌شود؛ زیرا هر دو ساحل نسبت به یگدیگر «عبر» هم هستند و زمانی که می‌گویی «اعتبرت الشیء ما»؛ گویی به آن چیز نگاه می‌کنی و آن معنایی را که در نظر می‌آوری، «عبر» آن و در برابر آن قرار داده، با آن مقایسه می‌کنی». بنابراین، اعتبار از «عبرت النهر» مشتق شده است. وی آیه «فاعتبروا یا اولی الابصار»^۸ را شاهد آورده و در توضیح آن می‌گوید: «گویا خداوند گفته که به کسی که افعالی را انجام داده و به کیفر خود هم رسیده، نگاه کرده، از کارهای او اجتناب کنید تا آنچه بر سر او آمد، بر سر شما نیاید».^۹ از بیان ابن فارس فهمیده می‌شود که او عبرت را به معنی اندیشه و نظر همراه با مقایسه و سنجش و در نهایت پند و اندرز گرفته است.^{۱۰}

«عبرت» در اصطلاح حالتی است که در آن معرفت ظاهری و محسوس، سبب درک معرفت باطنی و غیر محسوس می‌گردد. به عبارتی دیگر، انسان از امور مشهود به امور نامشهود منتقل می‌شود.^{۱۱} در حقیقت، امور مشهود، محسوس و تجربیات گذشته‌ها را به امور نامشهود، نامحسوس و تجربه

^۱ فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۲۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۸

^۲ همان

^۳ فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۲۹

^۴ فیومی المقری، المصباح المنیر، ج ۳، ص ۳۸۹-۳۹۰

^۵ ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۲۱۰

^۶ دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۳، ص ۱۳۸۸

^۷ فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۲۹

^۸ حشر: ۲

^۹ ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۴، ص ۲۱۰

^{۱۰} قائمی مقدم، عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۰

^{۱۱} راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج ۲، ص ۵۳۴

نشده تبدیل می‌کند و از این طریق، باطن و حقیقت آن مسائل برای ما روشن می‌شود؛ مثلاً عبرت‌گیرنده وقتی داستان حضرت موسی و فرعون را می‌شنود، به شنیدن صرف اکتفا نمی‌کند، بلکه در جزئیات آن اندیشه کرده، رابطه بین اجزای آن را تجزیه و تحلیل می‌کند. سپس به این نتیجه می‌رسد که سوءعاقبت فرعون در اثر برخوردهای متکبرانه او با حضرت موسی (ع)، و عصیان‌گری او نسبت به هدایت ایشان است. به دنبال آن، عبرت‌گیرنده موقعیت خود را با فرعون مقایسه می‌کند و نتیجه می‌گیرد که اگر او هم مانند فرعون در برابر فرمان خداوند بایستاد و مسیر عصیان را در پیش گیرد، به همان سرنوشت دچار می‌شود. گاهی همین حالت در اثر دیدن یک اثر تاریخی مثل طاق کسری و ایوان مداین و یا یک حادثه زنده مثل تصادف و امثال آن پدید می‌آید.^۱

واژه «عبرت» و مشتقات آن، ۷ بار در قرآن کریم؛ ۶ بار به صورت اسمی^۲ و یک بار به صورت فعل امر «اعتبروا»^۳ آمده است. مراد از «عبرت»، تأمل و تفکر است. «اعتبروا» فعل امر از مصدر اعتبار است که در اصل از عبور گرفته شده و به معنی گذشتن از چیزی به سوی چیز دیگر است. «معتبر» به کسی می‌گویند که از هر مکانی که عبور کرده، از آن پندی گیرد.^۴ در آیه «فاعتبروا یا ولی الابصار»^۵ خداوند از صاحبان چشم و بصیرت می‌خواهد که از سرنوشت یهودیان بنی‌نظیر عبرت پذیرند. از آن‌جا که این حوادث به انسان پند می‌دهد «عبرت» نامیده می‌شود؛ چرا که انسان را به یک سلسله تعالیم کلی رهنمون کرده، از مطلبی به مطلب دیگر منتقل می‌کنند.^۶

۲-۱ عبرت از نگاه امام علی (ع)

«فاتعظوا عباد الله بالعبر النّوافع و اعتبروا بالآی السّواطع: ای بندگان خدا از عبرت های سودمند پند پذیرید و از آیات روشن‌گر عبرت آموزید»^۷.

^۱ قائمی مقدم، عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه، ج ۲۷، ص ۹

^۲ آل عمران: ۱۳؛ یوسف: ۱۱۱؛ نحل: ۶۶؛ مومنون: ۲۱؛ نور: ۴۴؛ نازعات: ۲۶

^۳ حشر: ۲

^۴ فیومی المقری، المصباح المنیر، ج ۴، ص ۵۳۱

^۵ حشر: ۲

^۶ کاشفی سبزواری، مواهب علیه، ص ۱۰۶

^۷ نهج البلاغه، خطبه ۸۵، فراز ۳

اگر در تربیت و پرورش انسان‌ها الگوها به کار گرفته نشوند و انسان در زندگی ظاهری، عقلی و ایمانی خویش ملاک‌ها و میزان‌های انسانی نداشته باشد، گرفتار سردرگمی عجیب و احیاناً خودبینی و بلند پروازی خطرناک خواهد شد و از پرواز به سوی قله‌های رفیع علم و ایمان محروم خواهد ماند.^۱ امام علی (ع) می‌فرماید: «من نصب نفسه للناس إماماً فليبدأ بتعليم نفسه قبل تعليم غيره: کسی که خود را رهبر قرار داد، پیش از آن که به تعلیم دیگران بپردازد، باید خود را تربیت کند».^۲ ایشان در بیان علت این امر می‌فرماید: «الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم؛ مردم به حاکمان خود شبیه‌ترند تا به پدران خود».^۳ تربیت انسان‌ها از طریق الگوها یکی از نتایج دعوت و حرکت انبیاست. چون انبیا انسان‌های کامل و وارسته‌ای بودند، الگوی بسیاری از انسان‌ها قرار می‌گرفتند و نه فقط درگذشته بلکه اکنون نیز انبیا در جایگاه الگویی تمام عیار می‌توانند مقتدای انسان‌های در حال رشد قرار گیرند.^۴

۸-۳ موعظه

بر اثر موعظه فطرت انسانی آدمی بیدار و زنگار غفلت از دلش زدوده می‌شود و نهایتاً به آگاهی و درس‌پذیری از حوادث روزگار منجر می‌شود. موعظه کلامی است که به دل نرمی و رقت می‌بخشد، قساوت را از دل پاک می‌کند، خشم و شهوت را فرو می‌نشاند، هواهای نفسانی را تسکین می‌دهد، و به دل صفا و جلا می‌دهد. موعظه واقعی که در دل اثر کند، جز از طریق دین ممکن نیست. موعظه‌های دین است که می‌تواند در دل‌ها اثر بگذارد و باعث خشوع شود. هیچ شخص و هیچ جامعه‌ای نیست که به موعظه احتیاج نداشته باشد. ممکن است فردی از تعلیم شخص دیگر بی‌نیاز باشد، اما از موعظه او بی‌نیاز نیست. امام علی (ع) می‌فرماید: «أحی قلبک بالموعظة: دلت را با اندرز زنده کن».^۵

^۱ واثقی، امام الگوی امت، ص ۵۶

^۲ نهج البلاغه، حکمت ۷۳

^۳ ابن شعبه حرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۰۸

^۴ نصری، مبانی رسالت انبیا در قرآن، ص ۳۵۶

^۵ نهج البلاغه، نامه ۳۱، فراز ۹

حکمت بزرگ تربیت در اندرزها نهفته است و نصیحت و پند از تدابیر مثبت و ارزنده تربیتی و حتی از روش‌های دعوت اسلامی است. اسلام در ساختن جامعه اسلامی از این روش بسیار سود برده است، از جمله در سوره لقمان و دیگر سوری که در آن‌ها بحث از سازندگی است، از سوی پیامبران، بزرگان و حکما به این امر تأکید شده است. اصولاً وعظ‌ها و خطابه‌ها در افراد از آن جهت مؤثر است که همراه با پند و توأم با خیرخواهی است. با پند، انسان‌ها ساخته می‌شوند و به گوش جان آن را پذیرا می‌شوند.^۱

همچنین برای تأثیرگذاری بیش‌تر موعظه باید در عمل تجسم یابد. به همین دلیل امام علی (ع) می‌فرماید: «لا تکن ممن... یصف العبره و لایعتبر و یبالغ فی الموعظه و لایتعظ: از کسانی مباش که ... عبرت‌آموزی را طرح می‌کنند، اما خود عبرت نمی‌گیرند و در پنددادن مبالغه می‌کنند، اما خود پندپذیر نیستند».^۲

تجارب نشان داده است که هرچه فرد پرهیزگارتر و به امری عالم‌تر و موعظه‌اش در رفتار و گفتارش هویدا باشد، اثر پندش بیش‌تر خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر شخص اثر موعظه را در واعظ نبیند، موعظه مفید نخواهد بود و حتی می‌تواند مضر باشد. به همین سبب امام علی (ع) کسانی را که به موعظه خود عمل نمی‌کنند، لعن و نفرین کرده است. «لعن الله الأمرین بالمعروف التارکین له و الناهین عن المنکر العاملین به: نفرین بر آنان که امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمایند و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن می‌شوند».^۳ اما اگر واعظ خود نمونه عملی موعظه‌اش باشد، آن موعظه اثر رسایی در نفس می‌گذارد و از بزرگ‌ترین انگیزه‌های تربیتی جان می‌شود.

^۱ قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، ص ۲۲۸

^۲ نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰، فراز ۷

^۳ همان، خطبه ۱۲۹، فراز ۸

نتیجه‌گیری

عبرت‌پذیری یکی از روش‌های مهم تربیت اسلامی است. عبرت‌پذیری از وقایع گذشته و استفاده از نتایج و پیامدهای آن در زندگی روزمره، تعالی و بالندگی زندگی فردی و اجتماعی را به ارمغان خواهد آورد و مانع اتلاف نیروها و امکانات و باعث شکوفایی استعدادهای انسانی و بهره‌مندی هرچه‌بیش‌تر از سرمایه عمر می‌شود و در نهایت انسان را به سوی سعادت سوق می‌دهد.

موانع عبرت‌پذیری از دیدگاه امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، چالش‌های چندسطحی را شامل می‌شود که هم به عوامل فردی (مانند جهل، غفلت، حب دنیا و خودخواهی) و هم به ساختارهای اجتماعی (مانند نظام آموزشی ناکارآمد، هم‌نشینی با افراد گمراه و تبلیغات نادرست) اشاره دارد. امام علی (ع) با تحلیل این موانع، راهکارهای جامع‌نگری را ارائه می‌دهد که بر ترکیب رشد فردی و اصلاحات ساختاری استوار است. این رویکرد و دیدگاه، عبرت‌پذیری را فراتر از یک فرایند فردی، به عنوان یک پدیده اجتماعی-فرهنگی معرفی می‌کند که نیازمند دگرگونی در ابعاد شناختی، عاطفی و ساختاری است. امام علی (ع) عبرت‌پذیری را کلید خوردن از سقوط اخلاقی و سیاسی معرفی کرده است و رفع مشکل عبرت‌پذیری نیازمند همکاری بین فرد، خانواده و نظام اجتماعی است. امیرمؤمنان علی (ع) با ارائه الگوهای صحیح و با تکیه بر اصل تعقل و تدبر در تاریخ زندگی پیشینیان و سیر و نظر در آثار برجامانده از آنان، همواره انسان‌ها را به تکرار تجارب تلخ گذشتگان هشدار می‌دهد و با موعظه‌های بلیغ خود فطرت آدمیان را بیدار می‌سازد و آنان را به پندپذیری و عبرت‌آموزی از گذشته، به منظور ساختن آینده‌ای روشن رهنمون می‌سازد.

در نهایت این پژوهش نشان می‌دهد که عبرت‌پذیری یک فرآیند پویا است که نیاز بین عقل، ایمان و عمل است. امام علی (ع) با ارائه راهکارهای جامع نشان می‌دهد که با تشخیص شناختی، عاطفی و اجتماعی، می‌توان جامعه‌ای آگاه، اخلاقی و پیشرو را ایجاد کرد. این امر نه تنها به رشد فردی کمک می‌کند، بلکه تمدن اسلامی را از تکرار خطاهای تاریخی نجات می‌دهد.

منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

۱. ابن ابی الفراس، ابی الحسین ورام، تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، قم: مكتبه الفقيه، ۱۴۱۰ ه ق.
۲. ابن شعبه حرانی، علی بن حسین، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ ه ق.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقایس اللغة، قم: مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ه ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ه ق.
۵. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۶ ه ش.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ترجمه: مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ه ق.
۷. جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵ ه ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن مجید، تهران: نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۵ ه ش.
۹. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه ش.
۱۰. دیلمی، حسن بن ابی حسن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ه ق.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۶۲ ه ش.
۱۲. سمعانی، احمد بن منصور، روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح، تصحیح: نجیب مایل هروی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ ه ش.
۱۳. صدوق، محمد بن علی، النخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ ه ق.
۱۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: انتشارات موسسه دار الهجرة، چاپ اول، ۱۳۶۴ ه ش.

۱۵. فیومی المقری، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، قم: انتشارات هجرت، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ه. ش.
۱۶. قائمی مقدم، محمدرضا، «عبرت و تربیت در قرآن و نهج البلاغه»، نشریه حوزه و دانشگاه، فصلنامه علوم انسانی علمی تخصصی، سال ۷، شماره ۲۷، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۷. قائمی، علی، **تربیت و بازسازی کودکان**، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۸ ه. ش.
۱۸. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، **مواهب علیه**، تحقیق: سیدمحمدرضا جلالی نائینی، تهران: اقبال، ۱۳۶۹ ه. ش.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **اصول کافی**، تهران: انتشارات اسلامیه، ۱۳۶۲ ه. ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
۲۱. مدرس وحید، احمد، **شرح نهج البلاغه**، قم: انتشارات مدرس، ۱۳۵۹ ه. ش.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، **پندجاوید**، قم: موسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۳. مطهری، مرتضی، **ده گفتار**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۶ ه. ش.
۲۴. مطهری، مرتضی، **سیری در نهج البلاغه**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۹ ه. ش.
۲۵. نصری، عبدالله، **مبانی رسالت انبیا در قرآن**، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵ ه. ش.
۲۶. واثقی، شیرین، **امام الگوی امت**، تهران: انتشارات امیری، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ه. ش.